

شماره ۱۳۴۹۵۵۵

رِضَايَت، خِلافت و علم
امام عالی علیه السّلام
با مقدمه، تصحیح و ترجمه
سلمان علاء حسینی

دیلمی، حسن بن محمد، قرن ۸ ق.
ارشاد القلوب الی الصواب. فارسی، برگزیده
وصایت، خلافت و علم امام علی(ع) / تألیف [محمد حسن بن محمد دیلمی]؛ مقدمه،
تصحیح و ترجمه سلمان غلامحسینی.

کرج نجم کبری، ۱۳۹۵.

۱۵۲ ص.

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۵۴-۶

شابک

کتاب حاضر بخشی از کتاب ارشادالقلوب نوشته حسن بن محمد دیلمی است.
علی بن ابیطالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - اثبات خلافت - احادیث
ملی بن ابیطالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - علم
احادیث - ۸ ق.

اخلاق اسلام - سده نهم تا قرن ۱۴

غلامحسینی، سلمان ۱۳۶۱

۱۳۹۵ ۴۲۱۷ صف ۲۸ / BP

۲۹۷/۶۱

۳۶۴۰۷۶۱

نام کتاب: وصایت، خلافت و علم امام علی(ع)

تألیف: حسن بن محمد دیلمی

مقدمه، تصحیح و ترجمه: سلمان غلامحسینی

انتشارات: نجم کبری

لایتنوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و نشر نازو

تیراژ: ۱۰۰۰

بها: ۱۵۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۵۴-۶

دکتر کاظم محمدی

هر کس ز علی جدا شود گمراه است
گر مادر و گر پدر بود بی راه است
در روز قیامت از نباشی علوی
حتا که فقط حسرت و سوز و آه است

دکتر کاظم محمدی

از عشق حسی آمده ام من به وجود
با عشق حسی آشت وجودم موجود
من دانم و این نکته ی نغز پنهان
مسجود ملایک از آرا - مولا بود

فهرست

۷	مقدمه
۱۹	متن عربی پرسش‌های جاثلیق و پاسخ‌های امام علی (ع)
۵۳	۱- روایت دیلمی در ارشاد القلوب
۶۲	روایت صادقیه
۶۵	۲- روایت علامه مجلسی در بحار الانوار
۷۵	۳- روایت شیخ صدوق در الخصال
۸۵	روایت الصادقیه
۸۹	ترجمه پرسش‌های جاثلیق و پاسخ‌های امام علی (ع)
۹۰	ورود به شهر مدینه
۹۲	به دنبال جانشین پیامبر
۹۴	وصیت پیامبر
۹۶	پرسش از ابی بکر
۹۸	نگرانی سلمان
۹۹	امام علی (ع) و جاثلیق

۱۰۳	علی طیب دردهای باطنی
۱۰۶	آخرین سفارش رسول خدا (ص)
۱۰۷	از من پرس!
۱۱۰	جفای مردم
۱۱۱	ما و خداوند
۱۱۲	بهشت و دوزخ
۱۱۳	شرط مباحثه
۱۱۴	عرش الهی
۱۱۶	جای ...
۱۱۷	جای بهشت
۱۱۹	تبدیل زمین
۱۲۰	وجه خدا
۱۲۳	گزارش سلمان
۱۲۳	سخنان جاثلیق
۱۲۴	سخنان امام علی (ع)
۱۲۹	اخبار آینده
۱۳۳	ایمان جاثلیق و یارانش
۱۳۵	پرسش‌ها و پاسخ‌ها
۱۳۷	دو برادر یهودی پرسشگر
۱۴۷	روایت صادقیه

مقدمه

نویسنده‌ی محترم کتاب «اشاعرة التوب»، جناب حسن بن علی بن محمد دیلمی از مشاهیر و بلکه از اکابر محدثین شیعه‌ی دوازده امامی است. که در قرن هشتم هجری عیسی زیده و زیسته و مورد اعتبار مراجع حدیثی و فقهی شیعه هم بوده و بسیاری از بزرگان مولفین در آثار خود به کتابهای این شخص برجسته سند داده‌اند. برخی وی را معاصر با علامه حلی (متوفی به سال ۷۲۶ق) و برخی هم معاصر با شهید اول (متوفی به سال ۷۸۶ق) دانسته‌اند. تاریخ ولادت وی معلوم نیست و منابع چیزی از این بابت نمی‌گویند ولی گویا مرگ وی به سال ۸۴۱ قمری اتفاق افتاده که به این نکته صاحب‌اعیان الشیعه اشاره کرده است.

در اکثر کتاب‌های تراجم وی را حسن بن محمد دیلمی

گفته‌اند که چندان درست به نظر نمی‌رسد، زیرا طبق نوشته‌ای از خود دیلمی در کتاب *اعلام الدّین*، وی فرزند علی است و محمد پدر بزرگ اوست. وی می‌نویسد: *يقول العبد القتيبي الى رحمة الله و عفوہ الحسن بن علی بن محمد بن الديلمي...* که به ترتیب نشان می‌دهد: نامش حسن، نام پدرش علی، و نام جدش محمد بوده است. در کتب رجال وی را فقیه، عارف، و محدّث گفته‌اند و در اخلاق نیز در وی بلند داشته و اکثر آثار او از بابت اخلاق و موعظه سرشار است.

در نوشته‌های او از احادیث در بیان مسائل اخلاقی بسیار استفاده شده است و خود نیز به اخلاق بسیار متمایل بوده و مورد اعتبار مردم زمان خود هم بوده است. عنایت به حدیث و مسائل فراوان اخلاقی باعث شده که بزرگی چون شیخ حرّ عاملی وی را فاضل و محدّث و صالح بخواند و بخوبی مانند علامه محمد باقر مجلسی هم به تبعیت از وی، او را از اعتراف شیخ عارف یاد کند. به دقت نمی‌دانیم که از دیلمی چه تعداد نوشته باقی است اما در این بین چهار نوشته از او در دست است که همگی در این روال حدیث و اخلاق را داشته و تماماً به زبان عربی است.

مهمترین کتاب این دانشمند اخلاقی همین کتاب *ارشاد القلوب* است که ما بخشی از آن را در این کتاب آورده‌ایم. *ارشاد القلوب* دارای دو بخش است. بخش نخست آن دارای پنجاه و

چهار باب است که شامل مسائل اعتقادی و برخی مواعظ و روایات مشهور اخلاقی است. در این بخش باب اول را «فی ثواب الموعظه و النصیحة بها» تشکیل داده و باب آخر را نکته‌هایی در خصوص معراج حضرت ختمی مرتبت (ص) و در بخش دوم که دارای چند باب است به بیان فضایل و مناقب امام علی علیه السلام پرداخته و در ضمن برخی قضاوت‌ها و کرامات آن حضرت را روایت کرده است. در بخشی هم به معرفی و بیان صفات دشمنان او پرداخته است. عنوان این بخش طبق کتاب دیلمی چنین است: «فی فضائل و مناقب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) و غزواته» دیلمی در این کتاب از منابع یاری از آثار شیعیان و اهل سنت استفاده کرده است.

از دیگر آثار او اعلام الدین فی صفات المؤمنین است که در خصوص عقاید و مواعظ است که در آن جایز در قالب حدیث مسائل بیان شده است. سومین کتاب از آثار دیلمی اخبار و درر الآثار فی مناقب ابی الائمة الاطهار است که از عنوان آن هم پیداست که درباره حضرت مولی الموحّدین، امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، و گویا این کتاب نسخه‌ای خطی است در کتابخانه‌ی ملی که هنوز به چاپ نرسیده. و چهارمین اثر مانده از وی کتاب الاربعون حدیثاً نام دارد که طبق سنت حدیثی و بر اثر سفارش رسول خدا (ص) نوشته شده است. نویسندگان زیادی

مبادرت به نوشتن اربعین حدیث نموده‌اند که هر کدام هم حاوی نکاتی ارزنده در این باره است. در کتاب اربعین دیلمی نخستین حدیث به جنود عقل و جهل و سومین روایت آن به حدیث غدیر اختصاص یافته است.

با این حال از تأثیراتی که آثار دیلمی در فضای فکری عالمان دینی برجای گذاشته چنین پیداست که مهمترین اثر وی همان طور که بیان داشتیم کتاب ارشاد القلوب باشد. که علامه مجلسی آن را ستوده است و از منابع روایی خود در بحار الانوار قرار داده است، غیر از آن جزایر شیخ حرّ عاملی نیز در وسائل الشیعه به وی سند داده است.

دیلمی همان‌طور که متذکر شدیم فردی اخلاقی است و رویکرد آثارش نیز بیشتر به اخلاق است ولی با این حال برخی از نامداران فقه از آثار او استفاده کرد و در کتاب‌های فقهی خود به او و آثار او سند داده‌اند از جمله میرزا محمد باقر به فقهای نامداری چون شیخ بحرانی، سیدعلی طباطبایی، ابن‌محمّد هادی همدانی، علی غروی تبریزی اشاره کرد که هریک در کتب فقهی خود به آثار دیلمی استناد کرده‌اند. میرزا حسین نوری هم بخشی از روایات فقهی موجود در آثار دیلمی را در کتاب مستدرک الوسایل خود نقل کرده است. ضمن این که گزیده‌ای را که ما در این کتاب به آن پرداخته‌ایم نیز به اختصار تمام در مستدرک بدین شرح نقل شده است:

الْحَمْسَنُ بْنُ أَبِي الْحَمْسَنِ الدَّيْلَمِيُّ فِي إِرْشَادِ الْقُلُوبِ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ عَنْ
 سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ ذَكَرَ قُدُومَ الْجَائِلِيْقِ مِنَ الرُّومِ وَمَعَهُ مِائَةٌ مِنَ
 الْأَسَاقِفَةِ بَعْدَ وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) إِلَى الْمَدِينَةِ وَسَوَّالَهُمْ عَنْ أَبِي بَكْرٍ أَشْيَاءَ
 فَحَبَّرَ فِيهَا ثُمَّ ذَكَرَ قُدُومَهُمْ عَلَى عَلِيٍّ (ع) وَحَلَّهُ مَشَاكِلَهُمْ وَإِسْلَامَهُمْ عَلَى
 رَسُولِهِ (ص) ثُمَّ بَرَّجُوا عَنْهُمْ إِلَى وَطَنِهِمْ إِلَى أَنْ قَالَ قَالَ (ع) وَ عَلَيْكُمْ بِالْتَّمَسْكِ
 بِخُبْرِ اللَّهِ وَ كُونُوا مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الزَّمُوا عَهْدَ اللَّهِ وَ
 مِيثَاقَهُ عَمَّا بَيْنَ الْأَيْمَانِ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا وَ كُونُوا فِي أَهْلِ مِلَّتِكُمْ
 كَأَصْحَابِ الْكَهْفِ إِذْ كُنْتُمْ أَنْشَأُوا أَمْرَكُمْ إِلَى أَهْلِ أَوْ وُلْدِ أَوْ حَمِيمٍ أَوْ قَرِيبٍ
 فَإِنَّهُ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِي أَوْ تَبَّ لَهُ النَّفْسُ لِأَوْلِيَائِهِ فَيَقْتُلُكُمْ قَوْمُكُمْ
 الْخَبَرُ ١

همین خلاصه را دورانی بسیر دورتر درسط شیخ صدوق بدین
 شرح نقل شده است:

حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق الفارسي أبو الحسن قال حدثنا أبو
 سعيد أحمد بن محمد النعماني قال حدثنا أبو نصر أحمد بن محمد بن عبد الله
 الصفدي بمرو قال حدثنا محمد بن يعقوب بن الحكم العسكري وأبو
 بن يعقوب قال حدثنا محمد بن سنان الحنظلي قال حدثنا عبد الله بن عاصم
 قال حدثنا عبد الرحمن بن قيس عن أبي هاشم الرماني عن زاذان عن سلمان

الفارسی رحمه الله فی حدیث طویل یذکر فیہ قدوم الجاثلیق المدینه مع مائه من النصاری بعد وفاة النبی ص و سؤاله ابا بکر عن مسائل لم یجبه عنها ثم أرشد إلى امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) فساله عنها فأجابہ فكان فیما سألہ أن قال له أخبرنی عن وجه الرب تبارک و تعالی فدعا علم (ع) بنار و حطب فأضرمه فلما اشتعلت قال علی (ع) أين وجه هذه النار قال النصیرانی هی وجه من جمیع حدودها قال علی (ع) هذه النار مدبره مصدرة لا یعرف وجهها و خالقها لا یسبھها والله المشرق و المغرب فأینما تورثتم وجه الله لا یخفی علی ربنا خافیه^۱

سید بن طاووس ه این ماجرا را از دو سند قبلی کمی مطول تر بدین نحو نقل کرده است. عنوان خوش چنین است: الباب فیما تذکره فی حدیث عالم من النصاری ورد علی ابی بکر بعد وفاة النبی (ص) فعجز عن جوابه فأجابہ علی (ع) فشهد و من معه أن علیا أحق بمقام رسول الله من ابی بکر و غیره تذکره ذلك من کتب نور الهدی و روایت نیز این گونه نقل شده است:

فقال ما هذا لفظه العباس بن ولید قال حدثنا محمد بن عمر المکندم قال حدثنا عبد الکرم بن إسحاق الرازی قال حدثنا محمد بن داود عن سعید بن خالد عن إسماعیل بن أبی أویس عن عبد الرحمن بن قیس المنقری قال حدثنا

راذان عن سلمان الفارسي رحمة الله عليه قال لما قبض النبي (ص) وتقلد
 أبو بكر الأمر قدم المدينة جماعة من النصارى يتقدمهم جاثليق لهم له سميت
 ومعرفة بالكلام ووجوهه وحفظ التوراة والإنجيل وما فيهما فقصدوا
 أبا بكر فقال الجاثليق إنا وجدنا في الإنجيل رسولا يخرج بعد عيسى (ع) و
 - بلنـ خـروج محمد بن عبد الله (ص) يذكر أنه ذلك الرسول ففرزنا إلى
 ملكنا فجمعهم قريتنا وأنفذنا في التماس الحق فيما اتصل بنا وقد فاتنا
 بينكم محمد بن عيسى - إنا من كتبنا أن الأنبياء لا يخرجون من الدنيا إلا
 بعد إقامة أوصيائهم فلفوا في أمتهم يقتبس منهم الفتيا فيما أشكل فأنـت
 أيها الأمير وصيه لسالك عما نحتاج إليه فقال عمر هذا خليفة رسول الله
 فبحثنا الجاثليق لـ كـتـبـتـه وقال اخبرنا أيها الخليفة عن فضلكم علينا في الدين
 فإننا جئنا نسأل عن ذلك فقال أبو بكر نحن مؤمنون وأنتم كفار والمؤمن
 خير من الكافر والإيمان خير من الكفر فمن هذا دعـي يحتاج إلى حجة
 فخبـرنـي أنت مؤمن عند الله أم عند نفسك فقال أبو بكر إنا من عند نفسي و
 لا أعلم بما لي عند الله قال فهل أنا كافر عندك على مثل ما أنت مؤمن أم أنا
 كافر عند الله فقال أنت عندي كافر ولا أعلم ما لك عند الله قال الجاثليق
 فما أراك إلا شاكا في نفسك وفي ولست على يقين من دينك فخبـرنـي أ
 لك عند الله منزلة في الجنة بما أنت عليه من الدين تعرفها فقال لي منزلة في
 الجنة أعرفها بالوعد ولا أعلم هل أصل إليها أم لا فقال له فترجولي أن

يكون لي منزلة في الجنة قال أجل أرجو ذلك فقال الجاثليق فما أراك إلا راجيا لي و خائفا على نفسك فما فضلك على في العلم ثم قال له أخبرني هل احتويت على جميع علم النبي المبعوث إليك قال لا ولكن أعلم ما رضى لي علمه قال فكيف صرت خليفة النبي و أنت لا تحيط علما بما يحتاج إليه أمته من علمه و كيف قدمك قومك على ذلك فقال عمر كفايتها النصراني عن هذا العنت و إلا أبحننا دمك فقال الجاثليق ما هذا عدل على من جاء مسترشدا طابا قال ما من رحمه الله و كأنما ألبسنا جلباب المذلة فنهضت حتى أتيت عليا (ع) فقلت الخبير فأقبل بأبي و أمي حتى جلس و النصراني يقول دلوني على من أسأله عما أحتاج إليه فقال له أمير المؤمنين (ع) يا نصراني فوالذي فلق الحبة و رب السموات لا تسألني عما مضى و ما يكون إلا أخبرتك به عن نبي الهدى محمدا (ص) فقال النصراني أسألك عما سألت عنه هذا الشيخ خبرني أؤمن أنت عند الله أم لا (ع) فسك فقال أمير المؤمنين (ع) أنا مؤمن عند الله كما أنني مؤمن في عقيدتي قال الجاثليق الله أكبر هذا كلام واثق بدينه متحقق فيه بصحة يقينه فخببرني ذلك عن منزلك في الجنة ما هي فقال (ع) منزلتني مع النبي الأمامي في الفردوس لا في الآيات لذلك و لا أشك في الوعد به من ربي فقال النصراني فيما ذا عرفت الوعد لك بالمنزلة التي ذكرتها فقال أمير المؤمنين (ع) بالكتاب المنزل و صدق النبي المرسل قال فيما علمت صدق نبيك قال (ع) بالآيات الباهرة و

المعجزات والبيّنات قال الجاثليق هذا طريق الحجّة لمن أراد الاحتجاج
فخبرني عن الله تعالى أين هو اليوم فقال (ع) يا نصراني إنّ الله يجعل عن
الآين ويتعالى عن المكان كان فيما لم يزل ولا مكان وهو اليوم على ذلك
لم يتغيّر من حال إلى حال قال أجل أحسنت أيها العالم وأوجزت في الجواب
فخبرني عنه تعالى أيدرك بالحواس عندك يسلك المسترشد في طلبه
استعمال الحواس أم كيف طريق المعرفة إن لم يكن الأمر كذلك فقال أمير
المؤمنين (ع) حال تلك الجبار أن يوصف بمقدار أو يدركه الحواس أو
يقاس بالناس والدلائل إلى معرفته صنائعه الباهرة للعقول الدالة ذوي
الاعتبار بما هو منها مشهود ومتولّى فقال الجاثليق صدقت هذا والله الحق
الذي ضلّ عنه التألهون في الجهالات نخبرني الآن عما قاله نبيكم في
المسيح ومن أنه مخلوق من أين أثبت له الخلق ونفي عنه الإلهية وأوجب
النقص وقد عرفت ما يعتقد فيه كثير من المبدعين فقال أمير المؤمنين (ع)
أثبت له الخلق بالتقدير الذي لزمه والتصوير والتغيير من حال إلى حال و
الزيادة التي لم ينفك منها والنقصان ولم أنف عنه النبوة ولا أخرج عن
العصمة والكمال والتأييد وقد جاءنا عن الله تعالى أنه مثل آدم (ع) خالق من
تراب ثم قال له كن فيكون فقال الجاثليق هذا ما لا يطعن فيه الآن غير أن
الحجاج مما يشترك الحجّة على الخلق والمحبوج منهم فيم ثبت أيها العالم
من الرعية الناقصة عنك قال فيما أخبرتك به من علمي بما كان وما يكون

قال الجاثلیق فهلם شیئا من ذکر ذلك الخلق یثبت به دعواک فقال امیر المؤمنین (ع) خرجت أیها النصیرانی من مستترک مستنفرا لمن قصدت سؤالک له مضمرأ لخلاف ما أظهرت من الطلب والاسترشاد فأريت فی منامک مقامی وحدثت فیہ کلامی وحذرت فیہ خلافتی وأمرت باتباعی قال صددت والله الذی بعث المسیح ما اطلع علی ما أخبرتنی إلا الله تعالی وأنا اشهد أن لا إله إلا الله وأن محمدا رسول الله وأنک وصی رسول الله وأما أحق الناس بمقامه وأسلم الذین كانوا معه کإسلامه وقالوا نرجع إلی صاحبنا ذی برٍّ ومنٍّ وجدناه علیه هذا الأمر وندعوه إلی الحق فقال عمر الحمد لله الذی ما لبث أن جعل إلی الحق وهدی من معک إلیه غیر أنه یجب أن تعلم أن علم النبوة فی أهل بیت صاحبها والأمر بعده لمن خاطبت أولا برضا الأمة واصطلاحها لیه وتخبیر صاحبک بذلك وتدعوه إلی طاعة الخلیفة فقال قد عرفت ما قلت أبنا العربی وأنا علی یقین من أمری فیما أسررت وأعلنت فانصرف الناس فقال امیر المؤمنین (ع) یا سلمان أما تری کیف یظهر الله الحجة لأولیائه وما یزید بذلك قریبنا منا إلا نقورا، ديلمی ظاهراً طبع شعری هم داشته و هراز گاهی امام به طور جدی و حرفه ای شعر می گفته است. برخی از اشعار وی در کتاب های ارشاد القلوب و همین طور در اعلام الدین وجود دارد. داستان وصایت و خلافت ماجرای دیرینه و کهن است.

حکمی است دینی و نبوی که در تمام اعصار و قرون که انبیای عظام الهی در آن دوران بوده‌اند به حکم خداوند، یکی پس از دیگری امر وصایت را انجام داده‌اند و در این امر ملزم هم بوده‌اند و از آدم (ع) تا خاتم (ص) طبق این رویه عمل کرده‌اند. هر پیام‌بری رسمی و جانشین خود را مشخص و اعلام نموده است. و این به منزله‌ی ادامه داشتن امر دین و هدایت و ارشاد مردم بوده تا بعد از یک نبی، تکلیف نشده و به دام شیاطین و دنیاپرستان گرفتار نشوند.

اما با این حال راجحی از کم‌دانان از اهل سنت بر این هستند که رسول خدا (ص) هیچ وصایتی کرده و بعد از خود برای مردم جانشینی را تعیین ننموده است. این سخن نه تنها حرف بی‌اساسی است، بلکه شاید از بزرگترین جسارت‌ها به حضرت ختمی مرتبت (ص) هم به حساب بیاید. باری از نظر ما داستان همان است که اشارت دادیم و امام علی (ع) که استرورده‌ی خدا و رسول (ص) است و اعلم و اشجع و اصلح امت، بارها بارها از سوی خداوند به این امر معرفی شده و مردم نیز همگی در جریان حکم خدا و رسول واقع‌اش بودند و حدیث غدیر حکم انبیا و صدمباره‌ای بود که ابلاغی رسمی و قرآنی داشت. و برای راستان و منصفان و مؤمنان، کار قطعی و تمام است. خوشبختانه در آثار زیادی به این امر به تحقیق و تفصیل پرداخته شده و در دوره‌ی معاصر از مهمترین آثار، کتاب امام علی انسان ناشناخته و همین

۱۸ * وصایت، خلافت و علم امام علی (ع)

طور کتاب شرح حدیث ثقلین است که حجّت را برای عاقلان و باورمندان تمام کرده است.

اما این متن که در برابر شماست بخشی اندک از کتاب ارشادالقلوب دیلمی است که از جهت اهمیت آن گزینش شده تا در اختیار دوستداران اهل بیت (ع) قرار بگیرد، امید است مورد توجّه قرار بگیرد و این خادمان را نیز از دعای خیر فراموش نکنند.

و من الله التوفيق

مهندس سلمان غلامحسینی